



# باستان شناسی «پل دختر» لرستان و پیوند آن با اناهیتا

اردشیر سگوند



بهر حال، معلوم است که هنگام حمله اسکندر مقدونی به ایران، داریوش سوم هخامنشی پس از فرار از تختگاه زمستانی خود، شوش، از روی این پل گذشته به هگمتانه رفته است.<sup>(۳)</sup>

همه پادشاهان ساسانی به شهرسازی و عمران علاقه نشان می دادند. اما دو پادشاه نخستین این دودمان، بیش از شاهان دیگر به این امر توجه کرده اند؛ بویژه شاپور اول، تا آنجا که نام بسیاری از شهرها، پلها، قلعه ها و حتی رودها با نام وی پیوند یافته اند.

ریچارد فرای، ایرانشناس، در این زمینه می نویسد: «پادشاهی ساسانی به شهرسازی که در نزد شاهان پیشین ارجی نداشت، گرایش بسیار داشتند. دو پادشاه نخستین این دودمان از بزرگترین بنیانگذاران شهرها در این سلسله بشمار می روند و بسیاری شهرها با نامهای ایشان پدید آمد یا دوباره نامگذاری شد.»<sup>(۴)</sup>

در میانه نیمه نخست قرن سوم میلادی اردشیر بابکان، نخستین پادشاه ساسانی پس از کشتن اردوان پنجم، برای ورود به «تیسفون» باید از روی پل هخامنشی گذشته باشد؛ اما احتمالاً در زمان شاپور اول، دومین پادشاه ساسانی، به دلیل کهنگی و شاید کوچکی آن، از شبکه ارتباطی خارج شد و بعدها سیلاب خروشان کشکان نیز یاد و خاطره آن را از خاطرها شست و از میان برد. پس برای جایگزین کردن پلی دیگر به جای این پل، «پل دختر» که سخن ما درباره آن می باشد هنوز باقی است، ساخته شد. این پل به شماره ۳/۱۶۷۸ در فهرست آثار ملی ثبت گردیده است.

## تاریخ ساخت پل دختر و توصیف بقایای آن

شاپور اول ساسانی در سال ۲۴۲ میلادی تاجگذاری کرد و در سال ۲۷۲ میلادی درگذشت و از آنجا که ساخت این پل را در زمان شاپور دانسته اند، باید بین سالهای ۲۴۲ تا ۲۷۲ میلادی

امروزه آثار اندکی از چند پایه پلی در فاصله ۱۰ تا ۱۵ متری جنوب پل دختر دیده می شود که بنابر این آنچه گذشت می بایست بازمانده از روزگار هخامنشیان باشد. در اینجا، برای شناسایی آن پل از «پل دختر دوره ساسانی» با نام «پل هخامنشی» یاد می شود.<sup>(۵)</sup>

اینکه در منابع قدیمی به وجود «پل هخامنشی» اشاره ای نشده می تواند معلول این عوامل باشد:

۱- احتمالاً در دوره ساسانی از سنگهای این پل، بویژه قلوه سنگهای آن در ساختمان «پل دختر» استفاده شده است. اگر چنین باشد، پس این پل در روزگار ساسانی تخریب شده بود.

۲- با ساختن «پل دختر»، «پل هخامنشی» از شبکه راه شاهی خارج شده و چون دیگر مورد تعمیر و نگهداری قرار نگرفته و از آنجا که پل چندان بزرگی نیز نبوده است.

در گذر سالیان دراز، سیلاب رودخانه کشکان آنرا ویران کرده و با خود برده است،

در این گفتار کوشش شده است تا ضمن شناسایی یکی از بناهای بزرگ بازمانده از روزگار ساسانیان، غبار افسانه از چهره آن پاک گردد و پیوند آن با اعتقادات دینی ایرانیان پیش از اسلام مورد توجه قرار گیرد.

\*\*\*

در جنوب استان لرستان و در شمال شهرستان پلدختر آثار پلی بزرگ بر روی رود کشکان (۱) نمایان است که جاده تهران- خرمشهر از زیر نخستین دهانه آن در ساحل شرقی رود می گذرد. تنگه ای که پل در آن ساخته شده، احتمال می رود میلیونها سال پیش بر اثر جریان سیلابها در کوه مله (Mala) که بخشی از رشته کوه زاگرس است، پدید آمده باشد. این تنگه که بلافاصله از سوی جنوب به جلگه جاپدر (شهر پلدختر) می پیوندد، ازدو سوی شرق و غرب، دیواره های سنگی و استوار و بلند کوه آنرا در بر گرفته اند از مهمترین گذرگاههای «راه شاهی» از شوش به اکباتان بوده است.

ساخته شده باشد.

شاپور در سال ۲۶۰ میلادی، امپراطور روم والریانوس را به اسارت گرفت و تا این زمان ۱۸ سال از پادشاهی وی گذشته بود. اکنون می توان گفت با توجه به اینکه در زمان پادشاهی شاپور اول، امور شهرسازی، پل سازی و سد سازی و اصلاحاتی از این قبیل با جدیت پی گیری می شد، بعید به نظر می رسد که مهندسان و معماران ایرانی در طی این هجده سال در ساخت این پل درنگ کرده باشند. بویژه آنکه این پل مهمترین گذرگاه ارتباطی بین تیسفون، و جندی شاپور بوده است. بنابراین، ساخت این پل لااقل از سال ۲۵۰ میلادی آغازی شده است. پس «والریانوس» امپراطور اسیر شده روم را نیز همراه با دیگر اسرای رومی از روی همین پل گذرانده و آنان را به جندی شاپور و شوشتر منتقل کرده اند.

از آنجا که شاپور، والریانوس و دیگر اسرای رومی را در ساخت سد شوشتر که به «بند قیصر» معروف است. بکار واداشت<sup>(۵)</sup> آیا ممکن است از

کوه است؛ و پایه دهانه دوم که بسیار بزرگتر است، در سمت بر لبه ساحل و حدود ۶ شش متر بلندتر از بسته رود قرار دارد. در سمت شمالی این دهانه اتاقک پیچیده به کوه که راه مصنوعی و سنگفرش ورود به پل از روی آن می گذرد دیده می شود که احتمالاً جایگاه نگهبانان ساحل شرقی پل و محل گرفتن عوارض بوده است. آثار راه شوش و جندی شاپور در سمت شمالی این دهانه هنوز به صورت سنگچین نمایان است. این راه پس از طی يك شیب مصنوعی به روی بام پل می رسد. پیش از رسیدن به روی نخستین دهانه، از روی بام دهانه کوچکتری نیز می گذرد که صرفاً برای ایجاد راه ورود به پل ساخته شده است. اما بیشترین تأسیسات وابسته به این پل در ساحل غربی آن قرار دارد که هنوز همچنان سالم و پابرجا هستند. در اینجا يك سکوی سنگی بزرگ به شکل نیم دایره چسبیده به کوه وجود دارد. بلندی این سکو ۳ تا ۴ متر است و طاق نخستین دهانه پل از ساحل غربی که جاده تیسفون از زیر آن

عرض دهانه نخست ۷/۹۰ متر، دهانه دوم ۱۰/۹۰ متر و دهانه سوم ۱۳/۴۰ متر.

راه ورود به «پل دختر»

این پل چون از هر دو سوی به کوه پیوسته است، بنابراین به طور مستقیم از روبرو بر بام آن رفتن ممکن نیست. از نیرویی برای حل این مشکل از راه مصنوعی استفاده شده است. بدینگونه که در ساحل غربی در سمت شمال پل، برخلاف جهت آن، اتاقکهای با طاق شبیه به طاق پل در کنار هم ساخته اند. این اتاقکها با فاصله گرفتن از پل، یکی پس از دیگری کوتاهتر شده تا آنجا که در پایان بسیار کوتاه و به کف زمین نزدیک می شوند. دهانه این اتاقکها روبه رودخانه و دیواره پستی آنها صخره کوه است. بام آنها با مخلوطی از خاک و سنگریزه و احتمالاً دوغاب گچ پوشیده و یکنواخت و سپس سنگفرش شده است. بدین ترتیب يك راه شیبدار ساخته شده است.

راه تیسفون با گذشتن از نخستین دهانه پل در کرانه غربی و با طی کردن این راه شیبدار و کوتاه به

**\* با ساختن «پل دختر»، پل ساخته شده در روزگار هخامنشی از شبکه راه شاهی خارج شد و چون دیگر تعمیر و نگهداری نشد، در گذر سالیان دراز، سیلاب رودخانه کشکان آنرا ویران کرد.**



روی پل می رسد و اما راه شوش و جندی شاپور در ساحل شرقی با گذشتن از زیر يك دهانه چسبیده به کوه به عرض تقریباً چهار و ارتفاع هفت متر می گذرد و با طی کردن يك راه شیبدار مصنوعی و سنگفرش در سمت شمالی پل و با گذشتن از روی بام دهانه یادشده به روی پل می رسد: راهی که در زمان ساسانیان از این پل به سوی تیسفون می رفته همان راهی است که در زمان هخامنشی ساخته شده و به اکباتان می رسیده است و راه جندی شاپور همان راه شوش هخامنشی است که به راه شاهی نیز معروف بوده است.

آثار این راه بصورت سنگفرش بازمانده از روزگار هخامنشی که شاید در دوره ساسانی هم تعمیر شده است، در جنوب پل دختر بر سینه کوهی که ساحل غربی رود کشکان است هنوز پابرجاست.

اصول هندسی و نکات معماری در پل دختر

۱- مقاوم کردن پل در برابر فشار نیروی عمود بر آن: برای اینکه پل در برابر نیرویی که بر سطح آن وارد می شود مقاوم باشد، از نقطه میانی به هر دو

می گذشته، روی آن بسته شده است. گفتنی است که طاق چشمه های دختر لیرستان از نوع طاق با قوس نیزه دار (Peak arch) است. در سمت شمالی این سکو و چسبیده به آن، سه اتاق دیده می شود که به وسیله يك راهرو به درون یکدیگر

بخشی از راه ورود به پل ویران شده اند. این اتاقها احتمالاً آسایشگاه نگهبانان و جایگاه آذوقه و لوازم آنها بوده است.

بر روی سکو از سمت جنوب اتاقی به ابعاد تقریبی ۳×۴ متر و با طاق قوسی تیزه دار دیده

می شود که گمان می رود جایگاه نگهداری چارپایان یا علوفه آنها بوده است.

عرض بام «پل دختر» ۹/۵۰ متر؛ و عرض سه دهانه بازمانده این پل در ساحل غربی چنین است:

مهارت مهندسان و معماران رومی و نیروی کار آنان در ساخت پل دختر نیز استفاده کرده باشد؟ اگر چنین باشد، پس ساخت پل دختر از سال ۲۶۰ میلادی آغاز شد، در حالیکه پذیرش این تاریخ دشوار است. با توجه به سرعت کار نوسازی و عمران و روند روبه گسترش آن در زمان شاپور، بسختی می توان پذیرفت که تا ۱۸ سال پس از به تخت نشستن وی، ساختمان این پل از نظر مهندسان و معماران ایرانی دور مانده باشد. اما متأسفانه هیچ کتیبه ای از خود پل یا هر سند نوشتاری دیگر که تاریخ دقیق ساخت آنرا نشان دهد، در دست نیست. پل دختر بر روی رود کشکان در جهت شمال غربی - جنوب شرقی بسته شده و نزدیک به دوست متر طول دارد. همه دهانه ها و پایه های این پل فرو ریخته و در بستر رود رها شده اند، مگر دودخانه در ساحل شرقی رود و يك دهانه و دو پایه بدون طاق در ساحل غربی. نخستین دهانه این پل در ساحل شرقی که صرفاً به منظور ایجاد راه ورود به پل ساخته شده، مجاور



سو شیب‌دار ساخته شده است. برای این کار، پایه‌های آنرا از هر دو سو به طرف نقطه میانی یکی پس از دیگری بلندتر ساخته‌اند و عرض هر دهانه و ارتفاع طاق آن را بیشتر از دهانه پیش کرده‌اند.

۲- کاستن از سنگینی طاقها: برای سبک نگه داشتن طاقها و مقاوم کردن آنها در برابر فشار، از يك شیوه جالب معماری استفاده شده است؛ و آن اینکه فضاهای خالی بین اتصال دوطاق بر روی پایه‌ها را به جای اینکه پر کنند، طاق بسته و با این کار از سنگینی طاقها کاسته‌اند. بر روی نخستین دهانه باقیمانده این پل در ساحل غربی دومورد از این فضاهای خالی سرپوشیده مشاهده می‌شود: مورد نخستین که طاق آن فرو ریخته و کف آن تا اندازه‌ای پر شده است دارای این ابعاد است: طول: ۹۰/۵ متر؛ عرض: ۱/۷۵ متر؛ عمق کنونی: ۱/۳۰ متر. و ابعاد دومین فضای خالی سرپوشیده که طاق آن سوراخ شده اما فرو نریخته چنین است: طول: ۵ متر؛ عرض: ۲/۵۰ متر؛ عمق: ۲ متر.

**\* ریچاردفرای: دو پادشاه نخستین دودمان ساسانی از بزرگترین بنیانگذاران شهرها در این سلسله بشمار می‌روند و بسیاری شهرها با نامهای ایشان پدید آمد و یا دوباره نامگذاری شد.**



۳- مقاوم کردن پل در برابر نیروی باد: برای این کار در بخش بالایی هر پایه (از پایه سوم به بعد) و درست در وسط آن، پایین‌تر از محل اتصال دوطاق به یکدیگر، دریچه‌هایی با طاق هشتی ساخته شده که با گذشتن باد از آنها از فشار آن بر روی پایه‌ها کم می‌شود.

پل دختر و مصالح ساختمانی آن: مصالح ساختمانی بکار رفته در پل دختر عبارتند از: سنگ، آجر، گچ و ملاط ساروج. سنگ که تمام پل از آن ساخته شده به گونه‌های زیر به کار رفته است:

۱- سنگ‌های بزرگ تراشیده و صاف شده (لاشه سنگ) به شکل مربع یا مکعب مستطیل. این سنگها از نظر اندازه اندکی با هم اختلاف دارند. از اندازه گیری چند نمونه از این سنگها این اندازه‌ها بدست آمد: ۷۰×۷۰-۱۰۰ سانتی متر. از این سنگها برای ساختن پایه‌های پل بهره گرفته‌اند. این سنگها از پنج سو صاف شده‌اند، مگر يك سوی آنها که درون پایه قرار می‌گرفته است. این شیوه کاربرد سنگ در نزد رومیها رواج فراوان

**☆ با توجه به اینکه در زمان شاپور اول، شهرسازی و پل سازی با جدیت انجام می‌شد، بعید است که مهندسان و معماران آن دوره از احداث پل دختر درنگ کرده باشند.**

داشته و در ایران نیز پیش از ساسانیان از سوی پارتیان بکار گرفته می‌شد. برای نمونه از این آثار دوره اشکانی می‌توان یاد کرد: کاخ پارتی از سده دوم میلادی در هاترا (الحضر) در نزدیک «موصل» در شمال عراق.<sup>(۶)</sup>

بنای یادبود «طاق گرا» در نزدیکی قصر شیرین و «معبد اناهیتا» در کنگاور بر سر راه کرمانشاه به همدان.<sup>(۷)</sup> و از ساختمانهای دوره ساسانی که همزمان با پل دختر ساخته شده و لاشه سنگهای آن، شیشه سنگهای این پل است، آتشگاه بیشاپور را در فارس باید نام برد.

۲- قلوه سنگ: از قلوه سنگ برای پر کردن درون پایه‌ها و پوشش بام پل و طاق برخی از اتاقهای نگهبانی استفاده شده است. همچنین قلوه سنگهای نیمه تراش خورده که در ساختن دیوار اتاقهای کنار پل و نیز پر کردن برخی فضاهای خالی و زوایای کوچک پل بکار رفته‌اند.

۳- تخته سنگهای مربع یا مستطیل شکل تراشیده شده که برای بستن طاق پل و اطاقهای کنار آن به جای آجر بکار رفته‌اند. لبه‌های بیرونی قوس طاق‌ها از آجر ساخته شده است و این تنها مورد کاربرد آجر در این پل است.

### پل دختر و افسانه عشق

در دوره اسلامی از آنجا که مردم از تاریخ و چگونگی ساخت یا علت ویرانی يك شهر، قلعه، پل و بناهای باستانی از این قبیل، آگاهی کافی نداشتند از روی قرائنی افسانه‌هایی می‌پرداختند و با استناد به آنها می‌گوشتند تا کمبود آگاهی خویش را جبران نمایند. اما با دقت بیشتر در این داستانها و اشاره‌هایی که در آنهاست، می‌توان به واقعیات تاریخی که در پس آنها نهفته است پی برد.

پل دختر لرستان نیز از جمله بناهای باستانی است که چگونگی ساخت آنرا به يك افسانه عاشقانه پیوند داده‌اند. مردم لرستان این افسانه را چنین بیان می‌کنند: «در دوسوی رودخانه کشکان پسری و دختری زندگی می‌کردند؛ آن دو دل‌باخته یکدیگر شده بودند، اما چون خانواده‌هایشان آنها را از وصال یکدیگر باز می‌داشتند، بر آن شدند تا برای دسترسی به یکدیگر، به یاری هم این پل را بسازند. بنابراین، این پل به یاد و خاطره آن عاشق و معشوق، «پل کرو دختر» یعنی پل پسر و دختر نام گرفت. «Kor» در لهجه لری یعنی پسر.

بارون دویدروسی در این باره چنین نوشته است: «... به بقایای پل معظمی بر فراز کشکان رسیدیم که عرض رودخانه در اینجا به علت عبور از معبر تنگ و باریک، در میان دو صخره عظیم نسبت به جلگه خیلی کم می‌شود و در نتیجه عمق و سرعت آن افزایش می‌یابد. نام آن پل «کر- دختر» و تمثیلی است بر يك قصه عشقی میان پسری و دختری، لیکن بنیان پل را منسوب به شاپور پسر اردشیر بابکان و مؤسس سلسله ساسانی می‌دانند.»<sup>(۸)</sup> و نیز راولینسون نوشته است: «این پل را پل شاپور یا پل دختر می‌نامند و گفته می‌شود بانی آن شاپور دومین پادشاه از سلسله ساسانی است. لرها بنای این پل را به یک ماجرای عشقی ربط می‌دهند. به نظر من این پل مربوط به دوره

ساسانی است و جاده بیستون (کرمانشاه) را به شهر مورد علاقه شان یعنی شوش متصل می کرده است.<sup>(۹)</sup> راولینسون پل دختر لرستان را از نظر عظمت در تمام ایران بی نظیر دانسته می نویسد: «در اینجا رودخانه از وسط کوه عبور کرده و به جلگه جایدر وارد می شود. در همین محل آثار پلی وجود دارد که از نظر عظمت نظیر آنرا در هیچ جای ایران ندیده ام.»<sup>(۱۱)</sup>

بارون دوید نیز این پل را با دو پل «بیگم» و پل «دختر» نزدیک بهبهان که این بطوطه سیاح مراکشی آنها را از عجایب جهان شمرده، مقایسه نموده و آنرا برتر از دو پل یادشده دانسته و چنین می نویسد: «علی رغم استحکام بنا، جریان تند آب بخش اعظم پل را ویران کرده و با خود برده است؛ اما آنچه هنوز باقی است، گواهی می دهد که پل به هنگام عمارت چه شکوهی داشته است، زیرا حتی آثار باقیمانده دو پل نزدیک ارجان بر رود کردستان که در فصلهای پیش از آن سخن گفتیم و این بطوطه آنها را از عجایب جهان شمرده است، بسختی می توانند با شمعهای عظیم موجود این پل شاپور برابری کنند.»<sup>(۱۱)</sup>

## \* آناهیتا ایزد بانوی آب و آبادانی از ایزدان باستانی ایران است که نزد ساکنان از جایگاه ویژه ای برخوردار بوده است.

اکنون باز گردیم به ریشه این افسانه عاشقانه پل دختر لرستان و آنرا باید در يك باور دینی ایرانیان باستان یعنی پرستش آناهیتا جستجو کرد. آناهیتا ایزد بانوی آب و آبادانی از ایزدان باستانی ایران است که نزد ایرانیان جایگاه ویژه و برجسته داشت.

از آنجا که نیای ساسانیان یعنی ساسان و پسرش بابک در اواخر دوره اشکانی ریاست معبد آناهیتا را در استخر فارس به عهده داشتند، پادشاهان این دودمان، بیشتر از دیگران به این ایزدبانو وابسته بوده شاید بدست آوردن قدرت و پادشاهی خویش را مدیون حمایت و تأیید وی از خود می دانسته اند. در برخی نقوش برجسته صخره ای باقی مانده از دوره ساسانی، پادشاهی این دودمان در حال گرفتن حلقه اقتدار و پادشاهی (تاج شاهی) از آناهیتا نشان داده شده است، همچون نقش نرسه پسر شاپور اول در نقش ترسیم فارس.

اردشیر بابکان نخستین پادشاه ساسانی نیز در قلعه ای که پیش از رسیدن به قدرت و به نشانه استقلال در برابر اردوان پنجم پادشاه اشکنی در فیروزآباد کنونی فارس ساخته بود. گویا برای جلب

حمایت آناهیتا از خویش، مجسمه ای از این ایزد با نورا نیز در آن قلعه نهاده بوده است. بقایای این قلعه امروزه به «قلعه دختر» معروف است.

اکنون دیگر می توان گفت که به احتمال قوی منظور از «دختر» در «پل دختر» آناهیتاست. و در این باره می توان حدس زد که آنگاه که پل دختر را ساخته اند يك مجسمه آناهیتا را در پیشانی پل یعنی در بلندترین نقطه پایه میانی پل، روبروی جریان آب نهاده بوده اند تا اینکه آب با دیدن خدای خویش از وی بترسد و نیز برای احترام به او، آسیبی به پل نرساند. بدینگونه می خواستند پل دختر لرستان و پل دخترهای دیگر را از ویرانی و گزند سیلابهای خروشان، در پناه آناهیتا، خدای آب، در امان نگه دارند براستی که سنگ و گچ و ساروج و استواری که به پل می بخشیده اند، سازندگان این پل را بر آن می داشت تا به راستی باور خویش بیشتر ایمان بیاورند. می دانیم که آناهیتا ایزد بانویی بوده است و از این مجسمه آن را به شکل دختر می ساختند. پس باید مجسمه ای که از این ایزد بانو در ساختمان پل دختر لرستان موجود بوده، شکل يك دختر را نشان می داده است.

با ورود اسلام به ایران و با گذشت سالیان دراز، از آنجا که ایرانیان مسلمان شده، دیگر با این ایزد بانو و پرستش وی بیگانه شده بودند، از دیدن مجسمه وی در پل دختر چیزی بیشتر از تصویر يك دختر از آن نمی توانستند دریابند و اینچنین بود که پل را «پل دختر» نامیدند و سپس افسانه عاشقانه آن را نیز پرداختند.

پل دختر که گویی همچون هدیه ای نذری به آناهیتا پیشکش شده بود، اکنون ویرانه ای بیش نیست و دیرزمانی است که پیکر سنگینش زیاران و از تابش آفتاب پوسیده است و در اتاق های نگهبانی که شاید روزی بی اجازه به در و نشان رفتن مجازات در پی داشته، بز و گوسفندان، نشخوارکنان می آراند.

اکنون در پایان، فهرستی از قلعه ها و پل های باستانی کشورمان که نامشان با «دختر» همراه است در اینجا آورده می شود تا خوانندگان ارجمند دریابند که داستانهایی که درباره اینگونه بناهای باستانی پرداخته شده و به گونه ای با «دختر» پیوند یافته اند- همچون داستان عاشقانه دل دختر لرستان و داستانهایی که در باره «قلعه دختران» (قرلار قلعه سی) و «پل دختران» (قرلار کورپی سی) در آذربایجان شرقی، پرداخته شده اند- واقعیت تاریخی نیستند و ریشه همه آنها آناهیتاست. و منظور از دختر، این ایزد بانوست.

### فهرست «پل دختر» ها

- ۱- «پل دختر یا پل» کرود دختر» بر روی رود سیمره در غرب طرهران در مرز بین استان ایلام و لرستان، از دوره ساسانی<sup>(۱۲)</sup>
- ۲- «پل دختر» یا «پل کرود دختر» بر رود کشکان در ۱۱۰ کیلومتری جنوب خرم آباد لرستان در شهرستان پلدختر، دوره ساسانی<sup>(۱۳)</sup>
- ۳- «پل دختر» میانه بر رودخانه قزل اوزن در استان آذربایجان شرقی. دوره اسلامی<sup>(۱۴)</sup>
- ۴- پل دختر در منطقه تنگ تکاب در فیروزآباد فارس بر رودخانه فیروزآباد، دوره ساسانی<sup>(۱۵)</sup>

- ۵- «پل دختران» یا «قرلار کورپیسی» در شمال ملکات در جنوب غربی مراغه در آذربایجان شرقی بر روی رود مردق دوره اسلامی<sup>(۱۶)</sup>
- ۶- «پل دختر» بر روی رود کردستان (مارون) در نزدیک بهبهان در استان خوزستان. احتمالاً دوره ساسانی.<sup>(۱۷)</sup>

### ب: فهرست «قلعه دختر» ها:

- ۱- «قلعه دختر» شهرستانک بین جاجرد- کرج در استان تهران، از دوره ساسانی<sup>(۱۸)</sup>
- ۲- «قلعه دختر»، ۵/۱ کیلومتری جاده اراک- قم در استان مرکزی، دوره ساسانی- اسلامی.<sup>(۱۹)</sup>
- ۳- «قلعه دختر» چالوس، در استان مازندران دوره ساسانی.<sup>(۲۰)</sup>
- ۴- «قلعه دختر»، شش کیلومتری فیروزآباد در استان فارس، دوره ساسانی<sup>(۲۱)</sup>
- این همان قلعه اردشیر بابکان است.
- ۵- «قلعه دختر»، دهکده باز میان مشهد تربت حیدریه در استان خراسان، دوران اشکانی- ساسانی<sup>(۲۲)</sup>
- ۶- «قلعه دختر»، شهر کرمان در استان کرمان، دوره ساسانی<sup>(۲۳)</sup>
- ۷- «قلعه دختر»، در شمال رامهرمز در استان خوزستان، دوره ساسانی- اسلامی<sup>(۲۴)</sup>
- ۸- «قلعه دختر»، بهبهان، راه بهبهان به خیرآباد در استان خوزستان، ساسانی- اسلامی<sup>(۲۵)</sup>
- ۹- «قلعه دختران» «قرلار قلعه سی»، در شمال شرقی مراغه در استان آذربایجان شرقی<sup>(۲۶)</sup>

### پی نوشت:

- ۱- نام «کشکان» برگرفته از «کاسی» نام قوم باستانی ساکن لرستان است.
- ۲- در این مقاله برای نخستین بار است که از موجودیت این پل سخن رفته و به عنوان يك اثر دوره هخامنشی شناسانده شده است.
- ۳- کشف غار کلماکره در رشته کوه مله در شهرستان پلدختر در سال ۱۳۶۵ و به غارت رفتن گنجینه پنهان در آن توسط بومیان شاید قویترین ادعا باشد. احتمالاً دایوش سوم هخامنشی به هنگام عبور از این محل برای سبک کردن بار و بنه خویش بخشی از طلاهای خود را در این غار پنهان کرده بود.
- ۴- فرای، ریچارد نلسون، میراث باستانی ایران، ترجمه مسعود رجبی، تهران، ۱۳۷۳، ص ۳۴۱.
- ۵- کریستن سن، آرتور، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران ۱۳۶۸، ص ۳۱۱.
- ۶- گیرشمن، رمان هنر ایران در دوران پارسی و ساسانی ترجمه بهرام فره وشی، تهران ۱۳۷۰، ص ۳۶ (تصویر).
- ۷- کامبخش فرد، سفالینه، معبد آناهیتا کنگاور، تهران ۱۳۷۲.
- ۸- بارون، دوید (دوید کلمنت اگوستوس بارون)، سفرنامه لرستان و خوزستان، ترجمه محمدحسین آریا تهران، ص ۳۹۰.
- ۹- راولینسون، هنری، سفرنامه (گذر از زهاب به خوزستان)، ترجمه سکندر امان اللهی بهاروند، چاپ تهران، ۱۳۶۲، ص ۶۹.
- ۱۱- سفرنامه لرستان و خوزستان، ص ۳۹۰.
- ۱۲- کیانی، محمد یوسف، معماری ایران (فهرست بناها)، تهران ۱۳۶۸، ص ۱۷۵. و نیز: دیم فریامادین استارک، سفرنامه الموت، لرستان و ایلام ترجمه علی محمد ساکی، تهران، ۱۳۶۴، ص ۱۲۵.
- ۱۳ و ۱۴- معماری ایران، (فهرست بناها)، صص ۱۷۲، ۱۷۳.
- ۱۶- مجله باستان شناسی و تاریخ، سال سوم، شماره اول پاییز و زمستان ۱۳۶۷، ص ۷۹.
- ۱۷- سفرنامه لرستان و خوزستان، ص ۱۸۹.
- ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ و ۲۵- معماری ایران (فهرست بناها)، صص ۱۵۲-۱۴۵.
- ۲۶- مجله باستان شناسی و تاریخ، سال سوم، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۶۸، ص ۵۲.